

از منابع آلمانی
برگردان: داؤد اسعد

"انگلستان غده سرطانی برای اروپا"



در آخرین نشست سران اتحادیه اروپا دیوید کامیرون نخست وزیر انگلستان توانست مطالبات اساسی اش را بر دیگران بقبولاند. ولی درینجا مطلب نه تنها روی خروج برتانیای از اتحادیه اروپا میچرخد که سران سائر حکومت ها را به عمل مشابه وا داشته است، بلکه مطلب روی سمتدهی مشترک همگرایی سیاسی میچرخد: سمتگیری نئولیبرالی اتحادیه اروپا را باید بیشتر از پیش راه اندازی کرد و تخریب خدمات اجتماعی را تشویق نمود. جان هیلاری مدیر سازمان بریتانیایی برای مبارزه علیه فقر ("War on Want") میگوید که: اتحادیه اروپا به سوی یک "تشکل افراطی نئولیبرالیسم" سیر میکند. هیلاری می افزاید که بهتر خواهد بود هر گاهی بریتانیای کبیر "غده سرطانی در درون اتحادیه اروپا" ازین اتحادیه بیرون برود.

تخریب خدمات اجتماعی و تشدید قابلیت رقابت

"من معتقدم که ما به بریتانیای کبیر بیشتر از حد چیزی نداده ایم". این مطلب را نخست وزیر انگلیس میرکیل در صحبت اختتامیه اش در نشست سران اتحادیه اروپا بیان داشت. نخست وزیر در بروکسل اعلام داشت که بعد از دادن امتیاز ها به بریتانیای کبیر، آلمان نیز مجبور است تا خدمات اجتماعی اش را در مورد اتباع کشورهای اتحادیه اروپا مورد تجدید نظر قرار دهد. میرکیل افزود که "در حال حاضر مسأله سو استفاده از سیستم اجتماعی مان، ما را نیز نگران ساخته است".

همچنان در سند نهایی مطالبات موزونی به ترسیم گرفته شده است که اتحادیه اروپا باید تلاش هایش را برای افزایش بیشتر قابلیت رقابت - یعنی کاهش دستمزد، انعطاف پذیری در بازار کار و تضعیف نیروی عمل سندیکاها- تشدید بیشتر بخشد.

بدین ترتیب این امر ناگهانی نیست که نخست وزیر بریتانیا در فرجام مذاکرات "دراماتیک" مطالبات اساسی اش را به تحقق رسانید:

- وی میتواند برای مهاجرت کاری از سائر کشورهای عضو اتحادیه اروپا خدمات اجتماعی چون ضمایم دستمزد و ادعای داشتن منازل رهاشی سببایدی شده را کاملاً و یا قسماً از میان بردارد.
- پرداخت پول کودکان را رابطه با کشور متعابه اش دهد و به همان پیمانانه برای کودکان پول پردازد.
- بریتانیای کبیر در نشست های بعدی حق بیشتر ابراز نظر را در رابطه با منطقه یورو خواهد داشت. بدین ترتیب بایست تصامیم منطقه یورو در آینده به اساس پیشنهاد یک تن از اعضای اتحادیه اروپا در سطح رؤسای حکومتها و دولتها در شورای اروپا به بررسی گرفته شود. از جانب دیگر نظارت بر بانک ها و شرکتهای بیمه که در بریتانیا مصروف کار هستند در حیطه صلاحیت بانک انگلستان باقی میماند.
- هیچ یک از کشورهای عضو مجبور نیست تا در بخش های پیشرفته تر سیاسی اتحادیه اشتراک ورزد.

از آنجاییکه تقلیل پول کودکان برای مهاجران کاری همه اعضای اتحادیه اروپا قابل تطبیق است، از همینجاست که بلافاصله حکومت دنمارک اعلام علاقه مندی خویش را ابراز کرد. نخست وزیر انگلیلا میرکیل نیز ابراز داشت که: "میتوانم با وضاحت ابراز نظر کنم ما هم این اصل را در آلمان مورد استفاده قرار میدهیم".

یک "نشست زشت و نفرت بار"

جان هیلاری مدیر سازمان غیر دولتی بریتانیایی برای مبارزه علیه فقر ("War on Want") نشست سران را در بروکسل یک "نشست زشت و نفرت بار" تشخیص میدهد. دیوید کامیرون باقی ماندن در اتحادیه اروپا را با این امر پیوند میدهد که اصل عدم تبعیض شهروندان اتحادیه اروپا بر شانه های ۴۵۰ میلیون شهروند غیر بریتانیایی حمل شود. هیلاری که خودش بریتانیایی است می افزاید "یک عمل مشهود پرمخاطره!" از آنجاییکه بریتانیا "همانند آن غده سرطانی است که در مجموع قاره شیوع نموده است" و منتج "به افراطی ترین شکل لیبرالیزم" میگردد،

بهتر خواهد بود تا بریتانیای کبیر از اتحادیه اروپا بیرون رود. "بهتر است تا ما از اتحادیه اروپا بیرون رویم و معضله های خودی مان را خود چاره سازی کنیم". به عقیده وی بریتانیای کبیر "کشوری است در حال ورشکستی" بوده و از جانب "شهری ها" (کنایتاً به بانکها خطاب میشود) که "۱۰۰ در صد قدرت را بدست دارند" اداره میشود. هیلاری این مطلب را در کنفرانس "پلان بی علیه بیرون رانده شدن" که در مادرید برگزار شده بود اعلام داشت.

هوشدار برای فروپاشی هر چه بیشتر

هوشدار این اجلاس سران اتحادیه اروپا بوسیله نیروهای عوامفریب دست راستی ضد اروپایی که در بسیاری از کشورها به عنوان مطالبه یی تلقی میگردد تا حکومتها را برای بستن مرزها در برابر پناهنده ها و سد شدن راه مهاجرت شان تحت فشار قرار داده و بدسترس گذاشتن مشاغل و خدمات اجتماعی را تنها برای "اتباع کشوری" شان اختصاص دهند... در هنگری و پولند حکومت ها در صورت دامن زدن به مطالبات ضد اروپایی از لندن تابعیت خواهند کرد.

در حالی که فرار نیرویها از اتحادیه اروپا رو به افزایش است، رشد ناسیونالیسم و شئوونیزم نیز از همین نشست سران اتحادیه اروپا با پیوستن به فشار در جایگاه وسیله سیاسی، دفاع از خودستایی ملی و تبعیض علیه پناه جویان برحق شمرده میشود. حلقه های مسلط پیشنهاد هایی برای تحقق "ایده اروپایی" که از آن طریق توانسته اند اکثریت مردم را بسوی خود بکشانند، ارائه کرده نمیتوانند. زیرا چه وعده هایی نبود که برای مردم با ایجاد اتحادیه اروپا و ترویج یورو نداده بودند: مسافرت های آزاد، رونق اقتصادی، درآمد بیشتر، محل کار، آینده مطمئن، صلح و همزیستی خلقها در همگرایی متقابل.

امروز جهان جدید رویایی یورو به مخروبه مبدل شده است. مفکوره "اروپای همگرا" از هم می پاشد. پروژه اروپایی به رسوایی گراییده و محور آن بدور علایق و قدرتمندی بانکها و کنسرن های بین المللی میچرخد.

با این نشست سران اتحادیه اروپا، بحران هویتی همگرایی اروپایی تشدید بیشتر خواهد یافت.